

اصالت صلح و همزیستی یا جنگ و قتال در اسلام

محمد مهدی کریمی نیا*

مقدمه

میان فقیهان رسم است که در مسائل مهم، نخست به تأسیس «اصل و قاعده» می‌پردازند، و موارد استثنایی و برخلاف اصل را هم مشخص می‌کنند؛ به گونه‌ای که مسائل مبتنی بر اصل و قاعده، نیازمند دلیل نیست؛ اما موارد استثنایی که حکم آنها بر خلاف اصل و قاعده است، به دلیل قطعی نیاز دارد؛ البته حالت سومی هم وجود دارد و آن مواردی که مجهول بوده و «اصل» بودن یا خلاف اصل بودن آن ثابت نشده است؛ برای مثال، در مسئولیت‌ها اصل را بر «برائت» و در اعمال دیگران، اصل را «صحت» و اصل اولی را در حکم اشیاء بر «اباحه» گذاشته؛ از این رو، اثبات هر نوع مسئولیت یا فساد در اعمال دیگران و حرمت اشیاء به دلیل اثبات شرعی منوط است.^۱

در این که اساس و قاعده اولی در اسلام، در روابط مسلمانان یا غیرمسلمانان چیست، دو نظریه مهم وجود دارد که اکنون به بیان نظریه، ادله و بررسی ادله می‌پردازیم:

گفتار اول: نظریه اصالت جنگ در اسلام

این نظریه متعلق به برخی از مستشرقان و تعدادی از فقیهان شیعه و سنی است. از نظر این عده، حقوق بین‌الملل اسلام براساس جنگ و جهاد قرار دارد و مسلمانان موظف هستند از هر فرصتی برای سرکوب دشمنان و واداشتن آنان به پذیرش اسلام استفاده کنند. برنارد لوئیس، مستشرق مشهور انگلیسی می‌گوید:

* پژوهشگر حوزه و کوشش‌های ارشد حقوق.

۱. ر.ک: عاصعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۳۷۸.

سیاست خارجی و روابط بین‌الملل چون سایر نهادها و پدیده‌های سیاسی متداول در جهان امروز، امری کاملاً بیگانه در جهان اسلام بوده است. بر مسلمانان وظیفه و واجب کفایی بوده است که از طریق جهاد، کفار را مسلمان کرده و یا تحت نفوذ و کنترل خلیفه درآورند. این حالت جنگ و منازعه طبیعی و همیشگی هیچ‌گاه قطع نمی‌شده است؛ مگر به طور موقت و از طریق آتش‌بس، به طوری که امروزه معمول است.^۱

مجید خدوری از دانشمندان اهل سنت معتقد است:

اسلام فقط مجموعه‌ای از قوانین دینی نیست؛ بلکه یک جامعه سیاسی نیز هست که دارای یک سیستم حقوقی و اخلاقی ویژه بوده است و در صدد است تا منافع جمعی معتقدین خود را حفظ و روابط مسلمین را با دنیای خارج به نحو خاص و اصول ثابتی تنظیم نماید. تئوری اساسی اسلام از روابط بین‌الملل و سیاسی خارجی این است که فقط جامعه مسلمین، موضوع روابط و حقوق اسلامی بوده و داخل در سیستم اخلاقی و سیاسی می‌باشد و جوامع دیگر در جهت مخالفت این سیستم خواهند بود. مقصود نهایی اسلام از جهت روابط بین‌الملل از یک طرف، ایجاد صلح و آرامش در سرزمین‌هایی است که تحت قانون شریعت اسلام درآمده‌اند و از طرف دیگر، سعی و اصرار دارد که نظام حقوقی اسلام را به طور فعال به سایر نقاط جهان غیر اسلامی گسترش داده و آن‌ها را مسلمان گرداند.^۲

از فقیهان اهل سنت که به اصالت جنگ قائل هستند می‌توان افراد ذیل را نام برد: موفق‌الدین ابن قدامه متوفای سال ۶۳۰ق و صاحب کتاب المعنی؛ شمس‌الدین ابن قدامه مقدسی، متوفای سال ۶۸۲ق و صاحب کتاب الشرح الکبیر که هر دو پیرو مذهب حنبلی بودند و نیز عبدالکریم زیدان.

ابن قدامه قائل است که باید دست‌کم در هر سال، یک‌بار با کافران جنگید، مگر این که در مسلمانان از نظر عدّه و ابزار جنگی ضعف وجود داشته باشد.^۳
عبدالکریم زیدان می‌گوید:

۱. ر.ک: حمید بهزادی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، اصول و روابط بین‌الملل و تحولات آن در اسلام، سال

۱۳۵۱، ش ۱۲، ص ۱۲۹ و ۱۳۰. ۲. همان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۳. موفق‌الدین ابن قدامه و شمس‌الدین ابن قدامه المقدسی، المعنی و الشرح الکبیر، ج ۱۰، ص ۳۶۷ و ۳۶۸؛ و اقل ما یفعل مرة فی کل عام، لان الجزية تحب علی اهل الذمة فی کل عام و هی بدل عن النصرة. فکذلک میدلنها و هو الجهاد، فیجب فی کل عام مرة الا من عذر مثل ان یتکون للمسلمین ضعف فی عدد او عدة او یتکون ینظر المدد یسمن به او یتکون الطریق الیهم فیها....

دولت اسلامی هیچ‌گاه دولت غیراسلامی را از جهت شرعی به رسمیت نمی‌شناسد؛ چون دولت غیراسلامی براساس اسلام پدید نیامده است؛ قانون و اهداف این دولت هم شرعی نیست؛ پس چنین دولتی از اساس باطل است. حال که چنین دولتی از اساس باطل و فاسد است، باید هر چه زودتر نابود شود و دولت جدید براساس اسلام پدید آید و زمام‌داران آن، مسلمان و قانون آن اسلامی باشد و بر دولت اسلامی واجب است تا پذیرش حکومت اسلامی، با دولت غیراسلامی مبارزه و جنگ کند.^۱ امام شافعی می‌گوید:

اصل الفرض قتال المشركين حتى يؤمنوا أو يُعطوا الجزية؛^۲

به صورت اصل، جنگ با مشرکان واجب است تا این که ایمان بیارند یا مالیات جزیه بپردازند.

تعدادی از فقیهان شیعه نیز به اصالت جنگ با کافران قائل هستند؛ از جمله آن‌ها، علامه حلی، شهید ثانی و محمدجواد حسینی عامل هستند.

محمدجواد عاملی صاحب کتاب مفتاح الکرامه می‌نویسد:

الاصل عدم الصلح و القتال و الاخذ بالسيف؛^۳

اصل و قاعده، عدم صلح و لزوم جنگ و مبارزه است.

ادله پیروان نظریه اول

کسانی که معتقدند اصل در اسلام در روابط مسلمانان با غیرمسلمانان جنگ و عدم صلح و سازش است، ادله‌ای را بیان کرده‌اند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

دلیل اول: وجوب جهاد؛ این عده به آیات جهاد در قرآن اشاره می‌کنند و این که قرآن، جهاد را بر همه مسلمانان واجب شمرده، و کسانی را که از جهاد روی برمی‌گردانند، به شدت نکوهش کرده است. جهاد هم به معنای شعله‌ور نگه‌داشتن جنگ به‌طور مستمر بین جهان اسلام و جهان کفر است.^۴ از جمله آیاتی که مورد استناد این گروه قرار گرفته، آیه ذیل است:

۱. راک: باسر ابرشمانه، النظام الدولی جدید، بین الحالی و التصور الاسلامی، ص ۶۲۱، از مجموعه بحوث فنییه.

عبدالکریم زیدان، ص ۵۳ و ۵۴.

۲. رحمة الزحیلی، آثار العرب فی الفقه الاسلامی، ص ۱۳۰، ضمناً نویسنده پیش گفته، بیش از ده کتاب اهل سنت نام می‌برد که هبگی قائل به اصالت جنگ و جهاد با کفار در روابط بین‌الملل هستند. (راک: ص ۱۳۰ - ۱۳۷).

۳. محمدجواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۷، ص ۱.

۴. راک: عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۳۷۹.

فَإِذَا أَسْلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُواهُمْ
وَاحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
فَخَلَّوْا سَبِيلَهُم إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^۱

به استناد آیه شریفه پیشین می‌گویند:

اصل در روابط دولت اسلامی با دولت غیر اسلامی جنگ است، نه صلح، و این حق
دولت اسلامی است که با آنان مبارزه کند و از این جهت فقیهان، دولت‌های
غیرمسلمان را «دارالحرب» نامیده‌اند و صلح نخواهد بود یا به وسیله امان (بیمان یا
ذمه) یا ایمان (اسلام).^۲

رد دلیل اول: هیچ‌گاه یک آیه قرآن، بدون ملاحظه آیات دیگر نمی‌تواند مستند حکم
شرعی مهم باشد. آیات قرآن دارای عام و خاص، مطلق و مقید، و... هستند. بیشتر آیات
جنگ و جهاد، همراه با دلیل و علت است؛ بنابراین، آیاتی که به صورت مطلق در مورد جنگ
آمده به آیات مقید که می‌گوید مناظ قتال و محاربه این است که دشمنی با اسلام و مسلمانان
صورت پذیرد، تقیید می‌خورد. از جمله آیات مقید، آیه ذیل است:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ^۳

روشن است که سیاق آیه پیشین در مورد جنگ میان مسلمانان و غیرمسلمانان است و در
این آیه آمده که انگیزه و باعث بر جنگ با غیرمسلمانان وقوع «اعتدا» (الذین یقاتلونکم)
است و توصیه می‌کند که مسلمانان نباید ستم کنند (ولا تعتدوا) و در آخر آیه هم تعلیل آمده
است (ان الله لایحب المعتدین).

در آیه دیگر نیز علت جنگ را وجود فتنه از سوی غیرمسلمانان می‌داند:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى
الظَّالِمِينَ^۴

۱. توبه (۹) آیه ۵: «پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به
محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند،
راه برایشان گشاده گردانید، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»

ضمناً آیات دیگری مورد استناد بیرران این نظریه قرار گرفته است، مانند: بقره، آیه ۱۹۱ و ۱۹۳.

۲. یاسر ابونسانه، همان، ص ۶۲۱ و ۶۲۲.

۳. بقره (۲) آیه ۱۹۰: «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، ولی از اندازه نگذرند؛ زیرا خداوند
تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.»

۴. همان، آیه ۱۹۳: «و با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود؛ پس اگر دست برداشتنند،
تجاوز جز بر ستمگر روا نیست.»

پس محرک اصلی در جنگ با غیرمسلمانان، وجود فتنه است؛ بنابراین، اگر فتنه از سوی غیرمسلمانان وجود نداشته باشد، جنگ هم نخواهد بود به دلیل ذیل آیه (فان انتھوا فلا عدوان الا علی الظالمین). افزون بر این که آیات متعددی در مورد صلح و همزیستی با غیرمسلمانان وارد شده است (این آیات در بیان نظریه دوم خواهد آمد).

صلح و همزیستی به صورت اصل و قاعده اساسی در اسلام مدنظر است؛ بدین سبب، آیات مربوط به صلح، فاقد دلیل و علت است؛ چه اینکه از نظر عالمان علم اصول، «اصل» هیچ‌گاه نیازمند دلیل نیست و آیات مربوط به جهاد و جنگ با غیرمسلمانان، چون خلاف اصل و استثنا و ضرورت است، دلیل و علت دارد؛ مثل وجود فتنه، آغاز جنگ از سوی غیرمسلمانان، اخراج مسلمانان از سرزمین و...

در این میان، ما شاهد پیمان‌های دوستی و صلح از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام با غیرمسلمانان مثل مسیحیان هستیم. این پیمان‌نامه‌ها زمان قدرت آن دو بزرگوار با غیرمسلمانان بسته شده است تا وقتی که این پیمان‌ها از سوی غیرمسلمانان رعایت می‌شد، هیچ تعرضی به آنان نمی‌شد؛ برای مثال، عهدنامه‌ای که میان حضرت علی علیه السلام و مسیحیان در دیر حرقلیل ذی اکفل علیه السلام نوشته شد که به درخواست و پیشنهاد گروهی از عالمان نصارا و چهل تن از بزرگان نصارا و زمان حکومت امام علی علیه السلام صورت پذیرفت. این پیشنهاد با استقبال شدید امام علی علیه السلام مواجه شد و حضرت، به امیران و پیروان خود دستور اکید داد که از هرگونه آزار و ستم به آنان پرهیزند.^۱

دلیل دوم: تنازع بقا: گروهی از متفکران اسلامی که به اصالت جنگ و نزاع معتقد هستند، می‌گویند:

باید جنگ و تنازع همواره در میان بشر باشد و اگر نباشد، رکود و سستی روی زمین را فرا خواهد گرفت و نسل بشر به عقب برخواهد گشت؛ ولی تنازع و جنگ دایمی سبب می‌شود که نیرومندا بمانند و ضعیفان پایمال می‌شوند و از بین بروند و به این ترتیب انتخاب اصلح صورت می‌گیرد.^۲

ردّ دلیل دوم: این گروه کوشیده‌اند جنگ را چیزی موافق طبع بشر قلمداد کنند و اصل تنازع بقا را که یکی از اصول چهارگانه داروینیسیم است، دست‌آویز خود قرار داده‌اند؛ در حالی که اگر به فرض، اصل تنازع بقا را در مورد حیوانات درنده بپذیریم، هیچ ارتباطی به

۱. رک: جزوه عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان.

۲. رک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۳۶۲.

جهان انسانیت ندارد، انسان‌ها می‌توانند از طریق تعاون بقا و رقابت‌های سالم، همان‌گونه که در میدان صنایع و سیاست میان گروه‌ها و احزاب رقیب در دنیای امروز دیده می‌شود، به تکامل خویش ادامه دهند.

بی‌شک جنگ و خونریزی و ویرانگری نه تنها با فطرت سلیم انسان سازگار نیست که با قوانین جهان هستی نیز هماهنگی ندارد. محصول جنگ، همیشه اتلاف نفوس و سرمایه‌ها و ویرانی شهرها و آبادی‌ها و تشدید خصومت‌ها و دشمنی‌ها است؛ به همین دلیل تا ممکن است نباید سراغ این کار رفت.

از مجموع آیات قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود که پایه حکومت اسلامی بر صلح و صفا و دوستی است و قرآن مجید آن را به صورت اصل در همه جا، حتی درباره غیرمسلمانان مورد توجه قرار داده است.

دلیل سوم: روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: دلیل دیگر این گروه که به اصالت جنگ و قتال با کافران قائل هستند، روایتی است که کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری از ابن عمر نقل کرده‌اند. این روایت بیش‌تر مورد استناد اهل سنت قرار گرفته است:

عن ابن عمر، ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال «أمرت ان أقاتل الناس حتى يشهدوا ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و يقيموا الصلوة و يؤتوا الزكاة. فاذا فعلوا ذلك عصوا مني دمائهم و اموالهم الا بحق الاسلام و حسابهم على الله»^۱
از فرزند عمر نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من مأمورم با مردم کارزار کنم، مگر این که به یکتایی خداوند و رسالت محمد، پیامبر خدا گواهی بدهند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند. اگر این کار را انجام دهند، خون آنها و اموالشان از سوی من در امان است، مگر آن چه به صورت حق اسلام بر آن لازم می‌آید و حساب آنان با خدا است.

ردّ دلیل سوم: استناد به این روایت برای اثبات جنگ در اسلام، ناصواب است؛ چه این که به گفته تعدادی از نویسندگان، مقصود از «الناس» در روایت پیشین «مشرکان عرب» است؛ یعنی همان کسانی که نقض عهد کردند و نهایت تلاش و مبارزه را ضدّ اسلام و دعوت اسلامی به کار بردند؛ بدین جهت در حقّ آنان، آیه ۵، سوره توبه آمده است:

۱. رک: عبدالوهاب خلاف. السیاسة الشرعية و النظام الدولة الاسلامیة فی الشئون الدستورية و المعاصرة و المالیة. ص ۶۶، یاسر ابوشیانة، النظام الدولي الجديد، ص ۶۲۲، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۴ و ج ۲، ص ۱۳۱، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۱ و مسند حنبل، ج ۱، ص ۱۱ و ج ۲، ص ۳۱۴.

پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هرکجا یافتید، بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید؛ پس اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات دادند، برایشان گشاده گردانید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است؛

بنابراین، هیچ‌گاه خطاب روایت مورد استناد، متوجه اهل کتاب و مشرکان غیر عرب که خواهان روابط مسالمت‌آمیز و دوستی هستند، نمی‌شود.

دلیل چهارم: نکوهش دوستی با کافران: دلیل دیگر این گروه در اصالت جنگ با غیرمسلمانان، آیاتی است که مسلمانان را از دوستی با کافران نهی می‌کند که نباید آنان را در جایگاه «ولی» برگزینند؛ بنابراین، مسلمانان نباید با غیرمسلمانان پیمان‌های دوستی و روابط مسالمت‌آمیز داشته باشند^۱ که از جمله آن این آیه است:

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ.^۲

ردّ دلیل چهارم: مورد آیه در جایی است که دوستی، یاری و پیمان با آنان به ضرر مسلمانان باشد؛ اما دوستی با آنها، به معنای رفتار مسالمت‌آمیز و معامله نیکو و تبادل منافع، هیچ‌گونه معنی ندارد. چگونه دوستی با آنان ممنوع است در حالی که خداوند متعال اجازه داده است مرد مسلمان با زن اهل کتاب ازدواج کند؟! آیا در روابط میان زن و شوهر، هیچ‌گونه موالات و دوستی وجود ندارد؟! قرآن کریم می‌فرماید:

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آن که مهرهایشان را به ایشان بدهید...^۳

در آیه دیگری، خداوند رفتار مبتنی بر «برّ» و «قسط» را با غیرمسلمانی که مرتکب قتل و اخراج مسلمانان نمی‌شوند، سفارش کرده است:

لَا يَنْهَى كُفْرُ اللَّهِ عَنِ الَّذِينَ لَهُمْ بَرٌّ وَتَقْسِطٌ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِينِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.^۴

۱. ر.ک: عبدالوهاب خلاف، عمان، ص ۶۷.

۲. آن عمران (۳) آیه ۲۸: «مؤمنان نباید کافران را [به جای مؤمنان] به دوستی بگیرند»؛ فسنماً آیات دیگری در همین امر مورد استناد قرار گرفته است: مثل مانده (۵) آیه ۵۱ و مستحبه (۶۰) آیه ۱.

۳. مانده (۵) آیه ۵

۴. مستحبه (۶۰) آیه ۸: «خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما ننجگیده و شما را از ديارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالتت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست دارد».

گفتار دوم: نظریه اصالت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام طرفداران این نظریه معتقدند: اساس روابط مسلمانان با غیرمسلمانان بر مسالمت و رفتار نیکو است. اسلام هیچ‌گاه به پیروان خود اجازه قتل و کشتار پیروان مذاهب دیگر را نمی‌دهد و وجود عقاید مخالف، مجوزی برای رفتار خصمانه نیست؛ بلکه برعکس، اسلام به پیروان خود دستور می‌دهد با مخالفان رفتار مبتنی بر عدالت و قسط داشته باشند.^۱

این نظریه به کرامت انسانی قائل است. غیرمسلمانان از آن جهت که در «انسان» و «انسانیت» با مسلمانان شریک هستند، احترام دارند؛ هرچند در عقیده و مذهب تفاوت دارند؛ از این رو، امام علی علیه السلام در فرمانش به مالک اشتر در رعایت حال مردم مصر می‌فرماید:

و مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان، و مباش هم‌چون جانور شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری، چه رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تواند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند.^۲

این نظریه، به طور کامل مستدل است و با روح آیات، روایات و سیره پیشوایان اسلام، هماهنگی دارد. از آنجا که در اسلام، «صلح» و «همزیستی مسالمت‌آمیز» با پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به صورت «قاعده اساسی» ملاحظه شده است، آیات مربوط به صلح، بدون بیان دلیل است و چون «جنگ» و «جهاد» ضرورت و استثنا است، آیات مربوط به جنگ و جهاد همراه با ذکر دلیل و انگیزه است؛ مثل وجود فتنه، ستم، اخراج پیامبر و مسلمانان از سرزمین وطنی خود؛ بنابراین، برای جنگ و اقدام مسلحانه باید دلیل وجود داشته باشد و تا زمانی که دلیل وجود ندارد، اقدام به جنگ، خیانت و تجاوز تلقی می‌شود.

نخستین آیه‌ای که در باب جهاد نازل شده، گویای مطلب پیشین است:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.^۳

هنگامی که مسلمانان در مکه بودند، مشرکان پیوسته آن‌ها را می‌آزردند، و مسلمانان

۱. عقیق عبدالفتاح طیاره، روح‌الدین الاسلامی، ص ۳۹۷ و محمد زحیلی، حقوق الانسان فی الاسلام، ص ۱۹۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۲۶.

۳. حج (۲۲) آیه ۳۹: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت توانا است».

دایم کتک خورده، با سرهای شکسته خدمت پیامبر ﷺ می‌رسیدند و شکایت می‌کردند، تقاضای آنان اذن جهاد و مقابله به مثل بود؛ اما پیامبر اکرم ﷺ به آن‌ها می‌فرمود که صبر کنید. هنوز دستور جهاد به من داده نشده تا این که هجرت آغاز شد و مسلمانان از مکه به مدینه آمدند، و خداوند آیه پیش گفته را که متضمن اذن جهاد است، نازل کرد؛^۱ بنابراین، اصل اولی در رفتار مسلمانان با کافران قریش، صبر و مدارا بوده است. سرانجام به سبب ستم‌ها و آزارها، به آن‌ها اذن جهاد داده شد. این جهاد که «جهاد ستم‌دیده» در برابر «ستمگر» شمرده می‌شود، حق مسلم طبیعی، فطری و عقلی مسلمانان است که به ستم تن ندهند و ستمگر را سر جای خود نشانده، دست او را از حقوق خود کوتاه سازند.

از دیدگاه قرآن، صلح، خود، ارزش و هدف است و کافی است که پیامد خطرناک و فریبی به دنبال نداشته باشد. هدف از صلح، مصلحت‌گرایی نیست. خود صلح مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسان‌ها سازگارتر است، و در شرایط صلح، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن به توافق‌ها، و سرانجام به یگانگی آیین بشری و گرایش انسان‌ها به حق امکان‌پذیرتر است. قرآن و وصول به اهداف خود را از طریق صلح نزدیک‌تر، آسان‌تر و معقول‌تر می‌داند؛ از این رو، بدان تأکید می‌ورزد.^۲

قرآن و صلح طلبی

چند آیه مربوط به صلح طلبی را در ذیل می‌آوریم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ رَكُومٌ
عَدُوٌّ مُّبِينٌ.^۳

وجود واژه «کافه» (همگی) نشان می‌دهد که هیچ‌گونه استثنایی در قانون صلح نیست و جنگ برخلاف تعلیمات اسلام و قرآن است و جز به شکلی تحمیلی تصور نمی‌شود و از نظر قرآن کریم، هرکاری که باعث برهم زدن صلح و آرامش شود، عمل شیطانی به شمار می‌رود.

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^۴

۱. رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

۲. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. بقره (۲) آیه ۲۰۸: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آرامش در آید؛ و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.»

۴. انفال (۸) آیه ۶۱: «و اگر به صلح گرایشید، تو / نیز / بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.»

نکته قابل توجه این که «جنحوا» از ماده «جنح» به معنای خضوع و تمایل و حرکت به سوی چیزی و مفهومش این است که حتی از گفت‌وگوهای ابتدایی صلح نیز استقبال کن. این آیه از آیاتی است که صلح‌طلبی را به صورت اصل اساسی به حکومت‌های اسلامی توصیه می‌کند و این که بعضی گفته‌اند این آیه به وسیله آیات جهاد نسخ شده، پنداری بی‌اساس است که هیچ دلیلی بر آن نیست؛ چرا که هیچ منافاتی میان آیات جهاد و این آیه وجود ندارد و ضرورتی برای اعتقاد به نسخ نیست.^۱

... فَإِنْ اَعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يَغْتَبِلُوْكُمْ وَالْقَوَا اِلَيْكُمْ اَلَسَلَمَ فَمَا جَعَلَ اَللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيْلًا.^۲

در شأن نزول آیه آمده است گروهی از طایفه «اشجع» به نزدیکی مدینه آمدند. پیامبر نمایندگانی نزد آن‌ها فرستاد تا از هدف سفرشان باخبر شود. آن‌ها گفتند: ما آمده‌ایم پیمان ترک محاصره با محمد ببندیم و در منازعات شما با دیگران بی‌طرف بمانیم. پیامبر دستور داد مقدار فراوانی خرما به صورت هدیه برای آنها ببرند، و پیمان ترک تعرض را با آن‌ها امضا فرمود.^۳

... وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ اَلَقَى اِلَيْكُمْ اَلسَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُوْنَ عَرَضَ اَلْحَيٰوةِ اَلدُّنْيَا...^۴

براساس این آیه، باید به ندای صلح از طرف دشمن پاسخ مثبت داد؛ اگرچه از غنایم مادی فراوان محروم شد؛ زیرا هدف از جهاد اسلامی توسعه‌طلبی و جمع‌غنایم نیست؛ البته در پاره‌ای از موارد ممکن است پیشنهاد قرارداد صلح، پوششی بر مقاصد خصمانه دشمنان مسلمانان باشد؛ ولی مسلمانان تا اطمینان بر مقاصد خائنانه دولت‌ها و گروه‌هایی که انعقاد را پیشنهاد می‌دهند حاصل نکرده‌اند نمی‌توانند از قبول پیشنهاد آنان سرباز زنند.^۵

گفتار سوم: مجوزهای جنگ در اسلام

از نظر اسلام، جنگ حالتی استثنایی و در صورتی است که راه کارهای مسالمت‌آمیز به جایی نرسد. در جنگ اسلامی یا «جهاد» برخلاف جنگ‌های معمول دنیا، اهداف شخصی،

۱. راک، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۳۶۶.

۲. نساء (۴) آیه ۹۰: «... پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند. [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است».

۳. پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۳۶۷.

۴. نساء (۴) آیه ۹۴: «... و به کسی که نزد شما [ظهار صلح و] اسلام می‌کند، می‌گویید: تو مؤمن نیستی. [تا بدین بهانه] متاع زندگی دنیا را بجویید...».

۵. عباسعلی عسیدزنجانی، حقوق اقلیت‌ها، ص ۴۲.

آدم‌کشی، کشورگشایی، تحمیل عقیده و سرانجام مداخله نظامی در امور سایر کشورها مدنظر نیست.

قرآن کریم، محاربه را برای اهداف خاصی بیان می‌دارد که در این جا به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱. دفع تجاوز

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.^۱

در مورد این که با چه کسانی باید جنگید، جمله «الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ» (آنان که با شما جنگ می‌کنند) صراحت دارد که تا طرف مقابل دست به اسلحه نبرده و به مقاتله و مبارزه نپرداخته است، مسلمانان نباید پیش‌دستی کنند. نکته دیگر این که حتی در جنگ با کسانی که با شما جنگ و ستیز دارند، نباید تعدی و افراط داشته باشید.

۲. رفع فتنه

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ آنْتَهُوْا فَلَا عُدُوْنَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.^۲

جهاد اسلامی به سبب اهدافی که بشر در جنگ‌های خود به طور معمول دارد؛ در راه فرمانروایی در زمین و کشورگشایی؛ برای بدست آوردن غنیمت‌های فراوان، و به جهت آتیه بازارهای فروش یا به دست آوردن مواد خام یا برتری بخشیدن گروهی یا نژادی بر گروه و نژاد دیگر نیست؛ بلکه هدف از جهاد، جلب خشنودی پروردگار، حمایت از کسانی که در معرض فریب و گمراهی قرار گرفته‌اند و بر چیدن بساط شرک و بت‌پرستی از محیط جامعه انسانی و اجرای دستورهای خدا است.

اسلام در عین این که مردم جهان را به انتخاب دین اسلام که واپسین و بالاترین دین است، دعوت می‌کند، آزادی عقیده را محترم می‌شمارد؛ به همین دلیل به اقوامی که دارای کتاب آسمانی هستند، فرصت کافی می‌دهد که با مطالعه و تفکر، آیین اسلام را بپذیرند و اگر

۱. بقره (۲) آیه ۱۹۰: «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید؛ ولی از اندازه نگذرید؛ زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد».

۲. بقره (۲) آیه ۱۹۳: «و با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود؛ پس اگر دست برداشتنند، تجاوز جز بر ستمگر روا نیست».

نپذیرفتند، با آنها به صورت «اقلیت هم‌پیمان» معامله می‌کند و با شرایط خاصی که نه بی‌چیده است و نه مشکل، با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز خواهد داشت، ولی شرک و بت‌پرستی نه دین است و نه آیین و نه محترم شمرده می‌شود؛ بلکه نوعی خرافه و انحراف و حماقت و در واقع نوعی بیماری فکری و اخلاقی است که باید به هر قیمت ممکن آن را ریشه‌کن ساخت.

کلمه آزادی و احترام به فکر دیگران در مواردی به کار برده می‌شود که فکر و عقیده، دست‌کم یک ریشه صحیح باشد؛ اما انحراف، خرافه و بیماری چیزی نیست که محترم شمرده شود.^۱

۳. جنگ با نقض کنندگان پیمان، توطئه‌گران و آغازگران جنگ

أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أُولَٰئِ مَرَّةٍ
أَتُحْشَوْنَهُمْ فَأَلَّاهُ أَحَقُّ أَنْ تُحْشَوْا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.^۲

براساس این آیه شریفه، جنگ با کسانی که عهد و پیمان را نقض کرده‌اند؛ برای اخراج پیامبر ﷺ از وطن خودش می‌کوشند و نخستین بار جنگ را آغاز کرده‌اند، تجویز شده است.

۴. رفع استضعاف از ستم‌دیدگان

وَمَا لَكُمْ لَاتُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا.^۳

براساس این آیه شریفه، جهاد دو هدف جامع دارد: یکی «هدف الهی» و آن نشر اصول فضیلت و ایمان، و دیگری «هدف انسانی» و آن دفاع از ستم‌دیدگان و زنان و مردان بال و پر شکسته و کودکان محروم است.

۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۴-۱۶.

۲. توبه (۹) آیه ۱۳: «چرا با گروهی که سوگندهای [= پیمان‌های] خود را شکستند و بر آن شدند که فرستادهٔ [خدا] را بیرون کنند، و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند. نمی‌جنگید؟ آیا از آنان می‌ترسید؟ یا این که اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او ترسید.»

۳. نساء (۴) آیه ۷۵: «و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمنش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش باوری برای ما تعیین فرما.»

۵. دفاع از سرزمین

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...^۱

به کسانی که مورد ستم واقع شده و به ناحق از سرزمین‌شان بیرون رانده شدند، اذن و اجازهٔ مقاتله و جهاد داده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. حج (۲۲) آیه ۳۹ و ۴۰: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است؛ چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته بر پیروزی آنان سخت توانا است؛ همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [آن‌ها گناهی نداشتند] جز این که گفتند: پروردگارت ما خداست.»

فهرست منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
۳. ابوشبانه، یاسر، النظام الدولي الجديد بين الواقع الحالي و التصور الاسلامي، مصر، دارالسلام، ۱۹۹۸.
۴. الزحيلي، وهبة، آثار الحرب في الفقه اسلامي، چاپ چهارم، دمشق، دار الفكر، ۱۹۹۲.
۵. حسين عاملی، محمدجواد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ج ۷، بيروت، دار احياء التراث العربي، بی تا.
۶. خلاف، عبدالوهاب، السياسة الشرعية و النظام الدولة الاسلامية في الشؤون الدستورية و الخارجية و الماليه، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۷۸ م.
۷. عبدالفتاح طباره، عفيف، روح الدين الاسلامي، لبنان، دارالكتب، بی تا.
۸. عميد زنجاني، عباسعلي، فقه سياسي، چاپ دوم، دوره سه جلدی، تهران، امير كبير، ۱۳۷۳.
۹. _____، حقوق اقلیت ها، تهران، کتابخانه صدر، بی تا.
۱۰. مكارم شيرازي، ناصر و ديگران، پیام قرآن، قم، مدرسه اميرالمؤمنين.
۱۱. _____، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه. فریبی